درس 27

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خـدا اسـت، بـه خداونـد بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
مزامير
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كـه در خلال يكي از «اوقـات خلـوتي» كـه بـه مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (مزمور 115؛ 119:1-88 ؛ 119:89-176 ؛ 139)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مـورد آنچـه مي‌گويد بحث نكنيد، فقط يادداشت برداريد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: عظمت خدا
مرور. دو به دو مرور كنيد. عظمت خدا 3: خدا حاكم مطلق است: افسسيان 1:11-12

4 تعليم (90 دقيقه)
داماد، جامة وصله‌دار و مشك شراب
«مثل‌هاي داماد و جامة وصله‌دار و مشـك شـراب» در مـتي 9:14ـ17، مثل‌هـايي دربـارة «روزه در ملكوت خدا» مي‌باشند.

قرائت: متي 9:14ـ17؛ مرقس 2:18ـ22 و لوقا 5:33ـ39. در متي 9:15ـ17 مسيح از سه مثل بسيار كوتاه براي تعليم به مسيحيان در مورد روزه استفاده مي‌كند.
مثل داماد : «آيا پسران خانة عروسي، مادامي كه داماد با ايشان است، مي‌تواننـد مـاتم كننـد؟ و ل'كن ايامي مي‌آيد كه داماد از ايشان گرفته شود؛ و در آن هنگام روزه خواهند داشت.»
مثل جامة وصله‌دار : «هيچ كس بر جامة كهنه پاره‌اي از پارچة نو وصله نمي‌كنـد، زيـرا آن وصـله از جامـه جدا مي‌گردد و دريدگي بدتر مي‌شود.»
مثل مشك شراب : «شراب نو را در مشكهاي كهنه نمي‌ريزند و الا مشكها دريده شـده، شـراب ريختـه و مشكها تباه گردد. بلكه شراب نو را در مشكهاي نو مي‌ريزند تا هر دو محفوظ باشد.» لوقـا 5:39 اضـافه مي‌كند «و كسي نيست كه چون شراب كهنه را نوشيد، في‌الفور نو را طلب كند، زيرا مي‌گويد كهنـه بهـتر است.»

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
الف) داماد و مهمانان او يك واقعيت مشترك در تمام جوامع دنيا مي‌باشد.
ب) وصله‌اي از پارچة نو. اشخاصي كه خياطي مي‌كنند، مي‌دانند كه وقتي وصله‌اي از پارچـة نـو را بـر پارچه كهنه مي‌دوزند، اين امر باعث مي‌شود پارگي جامه بدتر شود.
ج) مشك شراب معمولاً از پوست بز يا گوسفند تهيه مي‌شـد. پوسـت حيـوان كنـده، و سـپس دبـاغي مي‌شد. پشمها را بسيار كوتاه مي‌كردند و بعد پوست را پشت رو مي‌كردند. سـوراخهاي چهـار پـا و دم بـا ريسمان بسته مي‌شد و سوراخ گردن دهانة مشك مي‌گرديد.
د) شراب تازه هميشه تخمير مي‌گردد. بنابراين اگر شراب تازه در يك مشك كهنه ريخته شـود، فشـار حاصل از تخمير باعث تركيدن مشك مي‌گردد؛ در نتيجه هم مشك و هم شراب تازه از بين مي‌رود.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟

يادداشتها:
الف) زمينة اين مثلها در متي 9:14 ديده مي‌شـود. اين مثلهـا در هـر سـه انجيـل مـتي، مـرقس و لوقـا، بلافاصله بعد از دعوت متي (لاوي) بيان شده است. اگـر ارتبـاط زمـاني بين دو رويـداد وجـود داشـت، آن وقت مقايسه بين كهنه و نو به طور چشمگيري تشديد مي‌گرديد. دقيقاً در زماني كه مسيح و شـاگردانش بـا بسـياري از بـاجگيران و گناهكـاران در خانـة مـتي در ضـيافت بودنـد ، شـاگردان يحـيي تعميددهنـده و شاگردان فريسيان روزه‌دار بودند . اما حتي اگر هيچ ارتبـاط زمـاني بين اين دو واقعـه وجـود نداشـت، بي گمان يك ارتباط منطقي وجود دارد. واقعيت اين است كه مسيح و شاگردانش بـا بـاجگيران و گناهكـاران

بيش از يك بار همنشيني و مصاحبت داشتند (متي 11:19؛ لوقا 7:34؛ 15:1؛ 19:1ـ10). اما شاگردان يحيي تعميددهنده و شاگردان فريسيان از چنين ضيافت‌هايي امتناع مي‌كردند و حتي تا اندازه‌اي رياضت و امساك به‌عمل مي‌آوردند. اين تضاد ديرياً زود باعث بروز سؤال در مورد روزه مي‌گرديد!
ب) داستان اين مثل‌ها در متي 9:15ـ17 يافت مي‌شود.
پ) توضيح يا كاربرد اين مثل‌ها بيان نشده است. بنابراين مي‌بايد از زمينه و داستان مثل، توضيح يا كاربرد آن را استنباط كرد.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:
مسيح به هيچ يك از جزئيات اين مثلها معناي خاصي را اطلاق نمي‌كند. ارتباط بين جزئيات كه در ادامه بيان شده است از معني كلمات در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس و از متن مثلها گرفته شده است.
الف) داماد. در كتاب‌مقدس اغلب رابطة بين خدا و قومش و همچنين رابطة بين مسيح و كليسا با محبت بين داماد و عروس مقايسه شده است (اشعيا 54:1ـ5؛ 62:5؛ ارميا 31:32؛ متي 25:1، يوحنا 3:29؛ 2قرنتيان 11:2، افسسيان 5:32؛ مكاشفه 19:7؛ 21:9). بر اساس دوم قرنتيان 11:2 و افسسيان 5:32 داماد مظهر عيسي مسيح و عروس نمادي از كليساي مسيح است. مسيح حضور خود را بر زمين با يك جشن عروسي مقايسه مي‌كند. اين سؤال كه: «آيا پسران خانة عروسي مادامي كه داماد با ايشان است، مي‌توانند ماتم كنند؟» به گونه‌اي بيان شده كه پاسخ آن مي‌بايست «نه» باشد. آنها نمي‌توانستند تا زماني كه داماد با ايشان است ماتم بگيرند.
ب) مهمانان داماد. از نظر لغوي «پسران خانة عروسي» به معني مهمنان داماد مي‌باشد. آنها مهمانان عروسي هستند كه ارتباط نزديكي با داماد داشته و نقش مهمي را در مراسم عروسي ايفا مي‌كنند. آنها هر كار ممكن را براي بهتر انجام شدن مراسم جشن انجام مي‌دهند. آنها نمادي از مسيحيان مي‌باشند.
ج) وصله‌اي از پارچة نو به جامة كهنه. مسيح به اين جزئيات معني خاصي را اطلاق نمي‌كند. اما با توجه به متن، آشكار است كه جامة كهنه بيانگر نظام قديمي امور است كه بوسيله انسان وضع گرديده است، مانند نظام و روش قديمي روزه بعلاوة ساير احكام كه بوسيله فريسيان از مراسم و آيين‌هاي شريعت عهدعتيق استنتاج مي‌گرديد. وصله‌اي از پارچة نو، معرف نظام جديد امور است كه از سوي خدا وضع شده است، خصوصاً نجات الهي در مسيح. پيام اين است كه نظام جديد امور نمي‌تواند با نظام قديمي سازگار گردد.
د) شراب كهنه و مشك كهنه. مسيح در مورد اين جزئيات توضيح نمي‌دهد. اما از متن آشكار است كه شراب كهنه به روزة شرعي و سرد و اندوهبار شاگردان يحيي و فريسيان اشاره دارد. مشك كهنه نمادي از روزهاي روزه و روزه گرفتن يهوديان است. با بسط دادن آن مي‌توان گفت كه به ساير اعمال شرعي و وضع شدة انساني قوم يهود كه هماهنگ با سيستم سنتي و خشك مذهبي است، اشاره دارد. محتواي مذهب يهود شامل صدها قوانين مي‌گرديد كه بوسيله ربي‌ها تفسير مي‌شد (تقليد مشايخ). روزهاي سبت، روزهاي روزه، جشنها و زيارتهاي اورشليم، قرباني‌ها، ده‌يك، ختنه و رسوم غذا خوردن صورت ظاهر و چارچوب مذهب آنها بود.
ه) شراب تازه و مشك تازه. همچنين از متن آشكار است كه شراب تازه بيان‌كننده نجات و بركات آن است كه مسيح آن را به همة كساني مي‌بخشد كه مايلند او را بپذيرند. و مشك تازه بيان‌كننده روشي تازه در شكرگزاري و خوشي است كه بوسيلة آن مسيحيان با خدا ارتباط دارند، و طريق آزاد و خودجوشي است كه توسط آنها خدا را پرستش و خدمت مي‌كنند. محتوا و جوهر مذهب مسيحيت شامل نجات و دگرگوني مي‌باشد. صورت ظاهرِ مذهبِ آنان در اجتماع مسيحيانِ شكرگزار و شاد بروز مي‌يابد كه خدا را مشتاقانه و داوطلبانه خدمت و عبادت مي‌كنند. اشتباه است كه بگوييم شراب كهنه نمادي از نجات بوسيله اعمال نيك شريعت و شراب نو بيان‌كننده نجات بوسيله فيض است. مقايسه بيشتر بين نظام قديم امور كه اغلب صرفاً رسوم و سنتهاي انساني است با نظام و روش جديد امور كه مسيح آغازگر آن است، مي‌باشد. مقايسه بين عهدعتيق و عهدجديد نيز نمي‌باشد چرا كه بين تعليم عهدعتيق (تثنيه 6:5؛ لاويان 19:18) و تعليم مسيح در عهدجديد (مرقس 12:30ــ31) تداوم و پيوستگي وجود دارد. به هر حال معلمين شريعت و فريسيان، تعليم حقيقي عهدعتيق را در زير سنتها و رسوم ساخته شدة بشري مدفون كرده بودند. مقايسه بين سنت‌گرايي خشك و انعطاف‌ناپذير فريسيان و تعليم حقيقي انجيل است. شيوة كهنه روزه، خوشي و شادي را بطور كلي منع مي‌كرد و به بيرون مي‌راند، اما شادي و خوشي نجات، راه جديدي را براي ارتباط و خدمت به خدا عرضه مي‌نمايد.
و) «كسي نيست كه چون شراب كهنه را نوشيد في الفور نو را طلب كند، زيرا مي‌گويد كهنه بهتر است.» در حقيقت نظام جديدي كه عيسي مسيح آغاز نمود، همان نظام «كهنه» است اما در بهترين معنايش، چرا كه جوهر و ذات تعليم عهدعتيق را احياء نمود! آن تنها طريق براي شادي واقعي و جلال كامل مي‌باشد!
با وجود اين، فريسيان به «تقليد مشايخ» به‌عنوان «شراب كهنه» اشاره مي‌كردند. بنابراين، اين جمله تفسيري است بر سنت‌گرايي محافظه‌كارانه و انعطاف‌ناپذير و اصلاح‌ناپذير فريسيان و پيروان آنها. آنها بر ديدگاهها و عقايد خود پافشاري مي‌كردند، در حالي كه كلام خدا را به آن صورتي كه در عهدعتيق و بوسيله عيسي مسيح تعليم داده شده بود رد مي‌كردند (متي 15:6). آنها به جاي فيض خدا، قانونهاي

بشري را انتخاب كرده بودند. آنها تقدم را به جاي كلام خدا به سنتها و رسوم انساني مي‌دادند. آنها كهنه‌پرستي انساني را به طراوت و تازگي خدا ترجيح مي‌دادند. آنها بـه ظـاهر مـذهب چسـبيده و از تغيـير دروني غافل مانده بودند. آشكارا آنها احتياج بـه يـك تغيـير بنيـادين در قلب خـود داشـتند. امـا هـر تغيـيري درداور است، چرا كه محتاج انكار خويشتن و به كنار گذاشتن خود و عقايد خويش مي‌باشد.

4- تشخيص پيام اصلي مثل

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مثل‌هاي داماد، جامة وصله‌دار و مشك شـراب دربـارة «روزه در ملكـوت خـدا» تعليم مي‌دهنـد. پيـام اصلي در اين مثل‌ها عبارتند از: «نظام و روش جديد امور كه عيسي مسيح به‌هنگام ظهور خود آغاز نمود، با نظام و روش قديمي آنها كه شامل سنتها و رسوم ساخته و پرداختـه انسـاني اسـت، سـازگار و همسـو نمي‌باشد. نظام و روش جديد امور شامل نجـات، شـفا، احيـا و تـازگي انسـان مي‌باشـد و هماننـد شـادي نجات، در زندگي‌اي كه مسيح مقرر كرده است، تجلي مي‌يابد. نظـام و روش قـديمي امـور شـامل تقليـد مشايخ، نظير سوگواري و روزه، در اعمال مذهبي تعيين شده بدست انسان تجلي مي‌يابد.»

روش و نظام قديمي امور بوسيله «تقليد مشايخ» تعيين مي‌گرديد (به درس 25 رجوع كنيد) و شـامل روزه‌هاي بسياري مي‌شد. روزه نمـادي از غم و مـاتم بـراي گناهـان شخص بـود، امـا در واقـع تبـديل بـه خودنمايي و نشان دادن تقوا و پرهيزگاري شده بود (متي 6:16). شـاگردان يحـيي و شـاگردان فريسـيان هفته‌اي دو روز روزه مي‌گرفتند (لوقا 18:12).

نظام و روش جديد امور در متي 11:4ـ5 و لوقـا 4:18ـ19 خلاصـه شـده اسـت. نظـام جديـد امـور عبارتند از: شفاي بيماران، شفاي معلولان، اخراج ارواح، زنده كردن مردگان، اعلان خبر خـوش بـه فقـرا، اعلام فيض خدا و رهايي از گناه. شادي نجات در هيچيـك از اشـكال آن بـا مـاتم و روزه بـه هـر شـكل آن سازگار و همسو نمي‌باشد، چه در غيراينصورت، ظهور عيسي مسيح مي‌بايد همچون مصيبتي عظيم تلقي شود كه بر سر مردم خواهد آمد!

«شادي نجات» يكي از ويژگيهاي اصلي و اوليه ملكوت خدا مي‌باشد. شـهروندان واقعي ملكـوت خـدا مانند شاگردان يحيي و شاگردان فريسيان ماتم و روزه نمي‌گيرند، بلكه در حضور عيسي مسـيح بـه دليـل واقعيت نجات خويش وجد و شادي مي‌نمايند. اگر نظام و روش قديمي روزه، خوشي را بطـور كامـل بـه كناري مي‌نهاد، اكنون شادي نجات، راه و طريق جديدي را براي ارتباط با خدا و خدمت به او مي‌گشايد.

البته اين بدين معنا نيست كه براي مسيحيان در اين دنيا جايي براي محزون شدن به دليـل رنج و درد، تجربه كردن زحمت و سختي در هنگام مشكلات يا ماتم به دليل گناهشـان يـا از دسـت دادن عزيزانشـان وجود ندارد. عيسي مسيح بر ضد غم واقعي، مـاتم و روزه صـحبت نكـرد، بلكـه بـرخلاف اعمـال ظـاهري شريعت قوم يهود. مقايسه بين سنتهاي صرفاً انساني و ترتيب الهي است.

5- مقايسة مَثَل با قسمت‌هاي مشابه و متضاد در كتابمقدس

تعليم: روزه (عبري tsam ؛ يوناني: nesteuo) عبارت است از پرهيز و خودداري داوطلبانه از خوردن غذا بـا اهدافي روحاني. روزه متفاوت است با تحمل گرسنگي به هدف جلب توجه و يـا بـه دلايـل خـاص، مثلاً بـه دلايل سياسـي. روزه همچـنين بـا رژيم غـذايي به‌منظـور كسـب سـلامتي جسـمي متفـاوت اسـت. روش معمول روزه عبارت است از پرهيز از خوردن غذا و نه پرهيز از نوشيدن آب. همچنين روش معمول روزه شامل يك روز مي‌گردد نه براي يك دوره زماني طولاني.

الف) ايام روزه در كتاب‌مقدس.

كشف و بحث: چه زماني از قوم خواسته شده روزه بگيرند و در چه زمانهايي آنها روزه گرفته‌اند حتي موقعي كه از آنها خواسته نشده است؟

1) قرائت: تعليم در لاويان 16:29ـ34؛ 23:26ـ32 (1446 ق. م.) و اعداد 29:7 (1407 ق.م.).

يادداشتها: دو لغت عبري وجود دارد كه تشخيص آنها از اهميت برخوردار است. لغت عبري « inna nephesh » به معني «فروتن، متواضع، خوار و زبون كردن جان»، «آزار دادن و سركوب كردن جان» يا «باعث محروميت و بي بهرگي شدن جان»، (انگليسي، «انكار خود») مي‌باشد. و لغت عبري « tsom » به معـني «روزه» يا «پرهيز از خوردن غذا» است.

در دوران عهدعتيق، شريعت در تمام طول سال فقط يك روز را براي فروتن و متواضع سـاختن جـان براي قـوم تعـيين كـرده بـود! آن روز، روز كفـاره بـود (روز دهم از مـاه هفتم). اين روز، روز سـبت تلقي مي‌شد، روز استراحت مطلق، روزي كه شخص مي‌بايست از انجـام هـر عملي كـه بتـوان آن را به‌عنـوان زندگي روزمره تفسير كرد، خودداري نمايد. در روز كفاره، به قوم يهود فرمان داده شده بود كه خويشـتن را فروتن سازند تا بدانند كه در برابر درخواستهاي خدا قاصر آمده‌انـد. روز كفـاره در واقـع روز امتحـان و سنجش خود ، فروتن ساختن خود، اعتراف به گناهان و انجام قرباني بـراي گناهـان بـود. روز كفـاره، روز انكار خويشتن بود. اگر چه آشكارا انجام هر عملي در آن روز قدغن شـده بـود، امـا هيچ ممنوعيـتي بـراي خوردن غذا بيان نشده بود. در نهايت امتناع از خوردن غذا راهي براي رنجور كـردن و آزردن جـان و راهي براي انكار خود بود، اما مسلماً راه اصلي نبود.

2) قرائت: شرح تاريخي در اشعيا 58:3، 5 (740ـ680 ق.م.) و مرموز 35:13 (1000 تا 400 ق.م.).
يادداشتها: بتدريج، فروتني دروني يا رنجور ساختن جان به صورت ظاهري پرهيز از خوردن غذا متجلي گرديد، كه همان روزه است. در كتاب مزامير و اشعيا، اين دو اصطلاح بسيار به يكديگر وابسته مي‌باشند. واژه اولية «فروتن يا رنجور ساختن جان» (عبري: inna nephsh) رفته‌رفته متراداف با «روزه» (عبري: tsom) گرديد. در آخر، در اشعيا 58:3،5، اين دو لغت معادل يكديگر بكار رفته‌اند و در مزمور 35:13 «روزه» حتي به‌عنوان طريقي براي رنجور ساختن جان بيان شده است. بنابراين، گرچه در اصل «فروتن يا رنجور ساختن جان» در يك روز استراحت براي امتحان و سنجش خود، فروتني دروني در حضور خدا، اعتراف دروني به گناهان و انجام قرباني براي گناهان بيان گرديده است، اكنون به صورت روز انكار راحتي‌ها و ضروريات زندگي نمايان شده است كه همان روز روزه مي‌باشد. كم كم بر اهميت نمايش ظاهري پرهيز و خودداري از خوردن غذا بيشتر بيشتر افزوده گرديد.

3) قرائت: شرح تاريخي در داوران 20:26؛ اول سموئيل 7:2ـ6؛ استر 4:16.
يادداشتها: براي مردم مشرقزمين روزه با مصيبت و مرگ همراه بود. بنابراين گرفتن روزه در موقعيت‌هاي عزاداري و سوگواري (اول سموئيل 31:13؛ دوم سموئيل 3:35) و در روزهاي ملي توبه (داوران 20:26 ؛ اول سموئيل 7:6؛ استر 4:16) امري مرسوم بود. امتناع و خودداري از خوردن غذا بيشتر وسيله‌اي براي رنجاندن جان گرديد تا وسيله‌اي براي امتحان خود، فروتن ساختن خويشتن، اعتراف به گناهان و گذراندن قرباني براي گناهان.

4) قرائت: شرح تاريخي در اول سموئيل 31:11ـ13؛ دوم سموئيل 1:11ـ12؛ دانيال 10:2ـ3؛ زكريا 7:3 ـ5؛ 8:19 و لوقا 18:12.
يادداشتها: با گذشت زمان روزه‌ها در ميان قوم يهود شروع به زياد شدن كردند. روزه‌اي بود كه فقط يك روز از طلوع خورشيد تا غروب آن (دوم سموئيل 1:12)، و براي مدت هفت روز (اول سموئيل 31:13)، يك روزة محدود براي سه هفته (دانيال 10:3) و يك روزة فوق طبيعي و مطلق براي مدت چهل روز (اول پادشاهان 19:8) به طول انجاميد. روزه‌هايي در طول ماههاي پنجم و هتفم وجود داشت (زكريا 7:3 ـ5)، و نيز روزه‌هاي فوري در طول ماه چهارم، پنجم، هفتم و دهم هر سال (زكريا 8:19). بالاخره، در روزگار مسيح در هر هفته دو روز روزه وجود داشت كه بوسيله فريسيان نگه داشته مي‌شد (لوقا 18:12). به غير از فروتن (ذليل) ساختن جان (كه ممكن است شامل روزه گردد) كه در لاويان 16:29ـ34 بوسيله خدا براي قوم خود تعيين شده است، تمامي روزه‌هاي ديگر سنتهايي صرفاً انساني بوده و بوسيله خدا مقرر نشده بود! اين روزه‌ها جزو تقليد مشايخ بود.

ب) هدف از روزه در كتاب‌مقدس
كشف و بحث: روزه در كتاب‌مقدس چه هدفي را دنبال مي‌كند؟
اگر چه «روزه» به‌عنوان خودداري از خوردن غذا در كتاب‌مقدس شرح داده شده است، اما مسلماً به‌عنوان يك الزام براي قوم خدا به استثناي روز كفاره، تعليم داده نشده است. تمامي اين روزه‌ها سنتهاي صرفاً انساني بودند نه وضع شده بوسيله خدا. بتدريج، آنها قسمتي از فرهنگ يهود گرديدند كه نبايد با فرهنگ ملكوت خدا اشتباه گرفته شوند. نمونة روزة مسيح و شاگردان مي‌تواند سرمشق قرار گيرد، اما هرگز به ساير مسيحيان يا به كليسا به‌عنوان يك كليت دستور داده نشده است.

1) قرائت: شرح تاريخي در نحميا 9:1ـ3 (حدود 400 ق.م.)
روزه يك بيان فرهنگي از فروتني و شكستگي بود، كه در آن شخص براي گناه خويش ماتم مي‌گرفت و گناه خود را اعتراف مي‌كرد. اغلب نيز با پوشيدن پلاس و ريختن خاك و خاكستر همراه بود. قوم يهود در هنگام روزه، گناهان خود و پدران خويش را اعتراف مي‌كردند.

2) قرائت: شرح تاريخي در دوم سموئيل 1:11ـ12 و دوم تواريخ 20:2ـ4
يادداشتها: روزه يك بيان فرهنگي از فروتني و شكستگي بود كه در آن مردم براي مردگان يا ترس از خطرها ماتم مي‌گرفتند. گاهي اوقات دريدن جامه و گريه و زاري نيز با آن همراه بود. داود پادشاه و مردانش براي مرگ شائول پادشاه و بسياري از سربازان اسرائيلي ماتم گرفته و سوگواري نمودند. يهوشافاط پادشاه از ترس جنگ و به منظور جلوگيري از وقوع آن، يك روزه ملي و همگاني اعلام كرد.

3) قرائت: شرح تاريخي در متي 4:2؛ اعمال 13:2ـ3 و اعمال 14:23.
يادداشتها: روزه به‌منظور توجه و تمركز بيشتر بر يك عمل يا واقعه مذهبي مهم، انجام مي‌گرفت. و هميشه با دعا يا ملاقات خدا به يك منظور خاص، ارتباط داشت. روزة موسي در خروج 34:2ـ 28؛ تثنيه 9:9ـ 18 را با روزة ايليا در اول پادشاهان 19:8 مقايسه كنيد. لوقا 4:2 نشان مي‌دهد كه روزة مسيح ناقص و جزئي نبود بلكه كامل. اولين هدف روزة مسيح تمركز بر آمادگي خويش براي خدمتي بود كه خداي پدر به او بخشيده بود. دومين هدف از روزه او اين بود كه همچون يك شاگرد قبل از بر عهده گرفتن وظيفه‌اي خطير اما والا بوسيله وسوسه مورد آزمايش قرار گيرد. رهبران كليساي اوليه به منظور

ايستادگي در خدمت بشارت و انتصاب رهبران در كليسا روزه مي‌گرفتند. اين موضوع دلالت بر اين امر دارد كه مسيحيان به ارتباط و دخالت روح القدس در هنگام روزه توجه و حساسيت خاص داشته‌اند.
اما توجه داشته باشيد كه تمام اين مثالها، وقايع تاريخي‌اي هستند كه در تاريخ كليسا روي داده است، اما هيچ كدام فرمان يا تعليم دربارهٔ آنچه بايد در زندگي مسيحيان يا كليسا روي دهد نيستند! بنابراين مسيحيان مي‌توانند داوطلبانه در صورتي كه احساس مي‌كنند روزه به آنها در ملاقات با خدا در دعا، دريافت كردن حكمت الهي يا آمادگي براي خدمتي كه خدا با آنها بخشيده، كمك مي‌كند، مبادرت به اين امر نمايند (مقايسه كنيد متي 6:16ـ18؛ نمي‌گويد "بايد روزه داريد" بلكه "چون روزه داريد"). مسيحيان نبايد تعليم دهند كه روزه ضرورتي است كه از جانب خدا براي مسيحيان مقرر گرديده است.

4) قرائت: شرح تاريخي در اول پادشاهان 21:9؛ زكريا 7:3ـ5 و اشعيا 58:1-12.
يادداشتها: كتاب‌مقدس همچنين نمونه‌هايي از روزه با انگيزهٔ نادرست را نيز بيان مي‌كند. اين انگيزه‌ها مي‌تواند حتي كشتن يك بي‌گناه يا تظاهر به خشوع و شكستگي در حضور خدا باشد. زكريا قوم يهود را به دليل گرفتن روزه براي خود به جاي گرفتن روزه براي خدا، سرزنش و توبيخ كرد. اگر چه خداوند براي آنها روزه را مقرر نكرده بود، يهوديان حتي براي خداوند روزه نمي‌گرفتند. در اشعيا، نوع صحيح روزه، كه مورد قبول و پسند خداوند است، امتناع و خودداري از خوردن غذا نيست، بلكه خودداري از بي عدالتي، ظلم و گفتن ناحق مي‌باشد!

ج) روزهٔ كتاب‌مقدسي خودداري از خوردن غذا نيست، بلكه پرهيز از شرارت است

قرائت: اشعيا 58:3ـ13؛ زكريا 7:4ـ10.
كشف و بحث: به رغم اينكه قوم يهود شروع به تأكيد بر روزه به‌عنوان خودداري از خوردن غذا نمودند، خدا از آنها طالب چه نوع روزه‌اي بود؟
يادداشتها: در اشعيا 58:3ـ12 خدا به قوم خويش تعليم مي‌دهد كه چه نوع روزه‌اي مورد پسند و مقبول او است.

1- روزه‌اي كه مورد قبول و پسند خدا نيست (58:3ـ5). قوم يهود مي‌پرسيدند: «چرا روزه (فعل عبري: tsam) داشتيم و نديدي؟ و جانهاي خويش را رنجانيديم (عبري inna nrpheshi) و ندانستي؟» سپس خدا پاسخ مي‌دهد: «اينك شما در روز روزهٔ (اسم عبري: tsom) خويش، خوشي خود را مي‌يابيد و بر عمله‌هاي خود ظلم مي‌نماييد. اينك به جهت نزاع و مخاصمه روزه مي‌گيريد و به لطمهٔ شرارت مي‌زنيد. امروز روزه نمي‌گيريد كه آواز خود را در اعلي عليين بشنوانيد. آيا روزه‌اي (عبري: tsom) كه من مي‌پسندم مثل اين است، روزي كه آدمي جان خود را برنجاند (عبري: inna nrpheshi)؟ و سر خود را مثل ني خم ساخته، پلاس و خاكستر زير خود بگستراند؟ آيا اين را روزه (عبري (tsom) و روز مقبول خداوند مي‌خواني؟» خدا به قوم خويش مي‌گويد كه با روزه‌هاي سنتي آنها تحت تأثير قرار نمي‌گيرد!

2- روزه‌اي كه مقبول و مورد پسند خدا است (اشعيا 58:6ـ12). خداوند مي‌گويد: «مگر روزه‌اي (عبري: tsom) كه من مي‌پسندم اين نيست كه بندهاي شرارت را بگشاييد و گره‌هاي يوغ را باز كنيد و مظلومان را آزاد سازيد و هر يوغ را بشكنيد؟ مگر اين نيست كه نان خود را به گرسنگان تقسيم نمايي و فقيران رانده شده را به خانهٔ خود بياوري و چون برهنه را بيني او را بپوشاني و خود را از آناني كه گوشت تو مي‌باشند مخفي نسازي؟»
اين چنين، خدا تعليم مي‌دهد كه روزه حقيقي و كتاب‌مقدسي از يك طرف اين است كه گناه و شرارت را كنار بگذارند و از طرف ديگر نان و لباس خود را با نيازمندان سهيم سازند! خدا وعده داده است كه وقتي قوم او اين چنين روزه (عبري: tsom) بگيرند، روزه‌اي كه بيشتر در جهت «انكار خويشتن»، «پرهيز از شرارت» و «سهيم كردن ديگران در نان و پوشاك خويش» است تا «پرهيز از خوردن غذا»، آنگاه خدا به دعاهاي آنها پاسخ داده و زندگي آنها را بركت مي‌دهد. او مي‌گويد: «آنگاه نور تو مثل فجر طالع خواهد شد و صحت تو بزودي خواهد رويد و عدالت تو پيش تو خواهد خراميد و جلال خداوند ساقهٔ تو خواهد بود. آنگاه دعا خواهي كرد و خداوند تو را اجابت خواهد فرمود و استغاثه خواهي نمود و او خواهد گفت كه اينك حاضر هستم.»
بار ديگر خدا تكرار مي‌كند كه از نظر او چه روزه‌اي مقبول و مورد پسند است: نه امتناع كردن از خوردن غذا، بلكه متوقف كردن گناه در زندگي شخصي و بخشيدن از داراييشان و سعي در كمك به نيازمندان و مظلومان. خداوند مي‌فرمايد: «اگر يوغ و اشاره كردن به انگشت و گفتن ناحق را از ميان خود دور كني و آرزوي جان خود را به گرسنگان ببخشي و جان ذليلان را سير كني، آنگاه نور تو در تاريكي خواهد درخشيد و تاريكي غليظ تو مثل ظهر خواهد بود.»
با در نظر گرفتن روزهٔ كتاب‌مقدسي حقيقي، بركات خدا بسيار بيشتر از قرباني‌هايي است كه شخص مي‌تواند بگذراند. خدا وعده داده است: «خداوند تو را هميشه هدايت نموده، جان تو را در مكان‌هاي خشك سير خواهد كرد و استخوانهايت را قوي خواهد ساخت و تو مثل باغ سيراب و مانند چشمهٔ آب كه آبش كم نشود خواهي بود و كسان تو خرابه‌هاي قديم را بنا خواهند نمود و تو اساسهاي دوره‌هاي بسيار را بر پا خواهي داشت و تو را عمارت كنندهٔ رخنه‌ها و مرمت كنندهٔ كوچه‌ها براي سكونت خواهند خواند»

3- نتيجه‌گيري. روزة كتاب‌مقدسي حقيقي بر نخوردن غذا تأكيد ندارد، بلكه تأكيد آن برخورداري و امتناع از گناه و شرارت و سهيم كردن آرزوي جان خويش و اموال خود با نيازمندان و مظلومان مي‌باشد. بر اساس اشعيا 58 و زكريا 7، خواست خدا نه روزة ظاهري، بلكه محبت نسبت به خدا و همسايه خويش مي‌باشد.

د) روزة داوطلبانه نبايد آشكار و عيان باشد.

قرائت: متي 6:16ـ 18.
كشف و بحث: زماني كه مسيحيان روزه مي‌گيرند، مي‌بايد چگونه عمل نمايند؟
يادداشتها: در عهدجديد در متي 6:16ـ18 عيسي مسيح چنين تعليم مي‌دهد: «اما چون روزه داريد، مانند رياكاران ترشرو مباشيد زيرا كه صورت خويش را تغيير مي‌دهند تا در نظر مردم روزه دار نمايند. هر آينه به شما مي‌گويم اجر خود را يافته‌اند. ليكن تو چون روزه داري، سر خود را تدهين كن و روي خود را بشوي تا در نظر مردم روزه دار ننمايي، بلكه در حضور پدرت كه در نهان است؛ و پدر نهان بين تو، تو را آشكارا جزا خواهد داد». مسيح از روزه به‌عنوان بياني از فروتني و تواضع سخن مي‌گويد. او عمل فريسيان را كه در هنگام روزه روي خود را با خاكستر مي‌پوشانند و مي‌خواستند همه مردم متوجه دينداري آنها بگردند، محكوم و سرزنش مي‌نمايد. مسيح نه به شاگردانش دستور داد روزه بگيرند و نه آنها را از روزه گرفتن منع نمود. اگر آنها دوست داشتند مي‌توانستند روزه بگيرند، اما مي‌بايد اين كار را تا آنجا كه مي‌شد به گونه‌اي انجام مي‌دادند كه جلب توجه ننمايد.

ه) شادي نجات با ماتم و روزه همراه نمي‌گردد.

كشف و بحث: انجيل چه تعليمي در مورد حضور و غياب داماد آسماني، يعني عيسي مسيح مي‌دهد؟ اين موضوع چگونه به سؤال در مورد روزه مربوط مي‌گردد؟
يادداشتها: مسيح فرمود: «ليكن ايامي مي‌آيد كه داماد از ايشان گرفته شود، در آن هنگام روزه خواهند داشت.» مسيح به چه زماني اشاره مي‌نمود؟ بعضي معتقدند كه مسيح به دورة بين صعودش به آسمان و بازگشتش اشاره دارد، در حالي كه بعضي ديگر معتقدند كه او به دورة بين مرگ و قيامش اشاره مي‌نمايد.

1) قرائت: متي 25:1؛ مكاشفه 19:7 و 21:9؛ متي 28:20؛ افسسيان 1:22ـ23؛ 3:16ـ17.
يادداشتها: عيسي مسيح در تمام زمانها حضور دارد. بر اساس متي 25:1 و روميان 19:7 و 21:9، بعضي تعليم مي‌دهند كه داماد آسماني، عيسي مسيح، تا زمان بازگشتش غايب است! بنابراين، تعليم مي‌دهند كه مسيح از مسيحيان خواست كه در تمام دورة عهدجديد تا زمان بازگشتش، روزه بگيرند. اين موضوع صحيح نمي‌باشد. اول اينكه، عيسي مسيح به پيروانش نه فرمان داد، نه خواست و نه تعليم داد كه روزه بگيرند، چرا كه كليسا بدن اوست. همچنين او در زندگي هر كدام از مسيحيان در دورة عهدجديد غايب نمي‌باشد. دقيقاً بر عكس، او وعده داده است كه تا انقضاي عالم با مسيحيان خواهد بود. او در درون قلب و زندگي مسيحيان، هم اكنون حضور داشته و زندگي مي‌كند.

2) قرائت: اشعيا 53:7ـ9؛ يوحنا 16:16ـ22؛ مكاشفه 21:9ـ10؛ عبرانيان 12:22ـ23.
يادداشتها: عيسي مسيح فقط در مدت كوتاهي غايب بود. در چه زماني مسيح در كنار پيروانش حضور نداشت؟ در اشعيا 53:8 همان كلمات «گرفته شود» براي پيشگويي مرگ داوطلبانه عيسي مسيح بر صليب استفاده شده است. او «مظلوم شد، مثل بره‌اي كه براي ذبح مي‌برند، از زمين زندگان منقطع شد». با بيان اين كلمات كه: «ايامي مي‌آيد كه داماد از ايشان گرفته شود، در آن هنگام روزه خواهند داشت،» عيسي مسيح يك نبوت ابتدايي دربارة مرگ داوطلبانه خود نمود، زمان خاصي كه زمان غم و اندوه براي شاگردان بود. در آن زمان روزه مي‌توانست بيان صحيحي از غم و اندوه آنها باشد. اما آن غم و اندوه و روزه نمي‌بايد براي مدت طولاني ادامه يابد. در يوحنا 16:16ـ22 خود مسيح فرمود: «بعد از اندكي مرا نخواهيد ديد و بعد از اندكي باز مرا خواهيد ديد زيرا كه نزد پدر مي‌روم». سپس منظور خود را به شاگردان توضيح داد: «شما گريه و زاري خواهيد كرد و جهان شادي خواهد نمود. شما محزون مي‌شويد لكن حزن شما به خوشي مبدل خواهد شد... پس شما همچنين الآن محزون مي‌باشيد، لكن باز شما را خواهم ديد و دل شما خوش خواهد گشت و هيچ كس آن خوشي را از شما نخواهد گرفت.» در شب قبل از مصلوب شدن، خود عيسي مسيح به شاگردانش در مورد نزديك بودن زمان رد شدنش بوسيله يهوديان شرير و قدرتهاي غير يهودي و حاميان آنها توضيح داد. او گفت كه مي‌بايد به مرگ محكوم گردد و مرگ براي مدت كوتاهي او را از آنها جدا مي‌سازد. بر اساس يوحنا 16، در آن مدت شاگردان مي‌بايد غمگين و محزون بوده و مي‌گريستند و بر اساس متي 9 در آن مدتي كه داماد تسليم مرگ شده و براي مدت سه روز در قبر است مي‌بايد سوگواري نموده و روزه بگيرند. بعد از قيام مسيح آنها دوباره داماد را ديدند و دوباره شاد گشتند و هيچ كس نمي‌توانست شادي را از آنها بگيرد! با قيام، صعود و ريزش روح‌القدس، كليسا آغاز گرديد. بر اساس مكاشفه 2:9ـ10 و عبرانيان 12:22ـ23 كليسا عروس عيسي

مسيح است. و بر اساس متي 28:20 داماد آسماني، عيسي مسيح هر روزه تا انقضاي عالم با عروس خواهد بود.

و) حكم و دستور عهدعتيق براي روزه، منسوخ شده است.

قرائت: كولسيان 2:14؛ افسسيان 2:25.
تعليم: بعد از مرگ و قيام عيسي مسيح (30 م.) احكام و فرامين عهدعتيق تغيير نمود. در كولسيان 2:14 نوشته شده كه بوسيله مرگ عيسي مسيح احكام مربوط به تشريفات مذهبي شريعت كه شامل روزه، قرباني كردن حيوانات، آوردن هداياي محصول و ده يك، نخوردن گوشت حيواناتي كه نجس محسوب مي‌گرديدند و ختنه باطل گرديده است. مسيح اين احكام عهدعتيق را از مسيحيان برداشته است!
در افسسيان 2:15 نوشته شده كه مسيح با مرگ خود تشريفات مذهبي شريعت را كه باعث جدايي بين يهود و امتها مي‌گرديد نابود ساخته و آن را براي هميشه از كليساي مسيح برداشته است! علاوه بر اين، قرباني حيوانات، ده‌يك براي هيكل، ختنه، خوردن غذاهاي پاك و... نيز برداشته شده است. روزه به‌عنوان فروتن ساختن جان در روز كفاره نيز به‌عنوان يك حكم مذهبي براي مسيحيان اعتباري ندارد. روزه نبايد به‌عنوان يك رسم مذهبي در كليساي مسيحي دوباره آغاز گردد.

ز) نتيجه‌گيري. قسمت‌هايي از كتاب‌مقدس كه مستقيماً در ارتباط با روزه هستند عبارتند از:
1) روزه به معني امتناع از خوردن غذا نيست، بلكه امتناع از بي‌عدالتي، ظلم و گفتن ناحق.
2) متي 9:15ـ17 در مورد اين حقيقت توضيح مي‌دهد كه شادي نجات با ماتم و روزه همراه نمي‌باشد.
3) كولسيان 2:14 و افسسيان 2:15 به وضوح دربارة منسوخ و باطل شدن تمامي تشريفات و مراسم مذهبي يهود و از جمله روزه، تعليم مي‌دهد.
4) متي 6:16ـ18 توضيح مي‌دهد كه مسيحيان در صورتي كه بخواهند، مي‌توانند روزه بگيرند، اما نبايد ديگر مسيحيان را ملزم به روزه نمايند.

6- خلاصة تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل‌ها دربارة روزه در ملكوت خدا
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل‌ها دربارة روزه در ملكوت خدا چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:
پيام اصلي اين مثل‌ها عبارت است از: «قانون و نظم جديد امور كه عيسي مسيح با آمدن اولش آغاز نمود كه با روش و سياق كهنه آنها كه شامل مراسم و سنتهاي ساخته شده بدست انسان بود، سازگار و همسو نمي‌باشد. نظام و روش جديد شامل نجات، شفا، احيا و تازگي انسانها مي‌باشد كه در قالب و شكل زندگي‌اي كه مسيح مقرر كرده است، مثل خوشي و شادي نجات، بيان گرديده است. قانون و نظم قديمي امور كه شامل تقليد مشايخ است، در قالب و شكل اعمال مذهبي تعيين شده بدست انسان، شبيه غم و ماتم و روزه، بيان گرديده است.»
خدا از روشها و سنتهاي قراردادي براي ماتم و روزه گرفتن خشنود نمي‌باشد. با آمدن اول مسيح قانون و نظام جديد آغاز گرديد! «خدا با ما» (عمانوئيل، متي 1:23) و «خدا در ما» (وضعيت واقعي در و بعد از پنطيكاست، يوحنا 7:38ـ39؛ 14:16ـ17؛ افسسيان 2:22)، باعث بوجود آمدن شادي و خوشي حقيقي در هر مسيحي مي‌گردد. خدا از شادي نجات مسيحيان و طريق جديدي كه قومش او را پرستش و خدمت مي‌كنند، كه عبارت است از سهيم كردن نيازمندان در زندگي و دارايي خويش، شادمان و مشعوف مي‌گردد.
تمام روزه‌هاي شرعي و غمگين فريسيان همانند ساير سنتهاي انعطاف‌ناپذير ديگر آنها مي‌بايد جاي خود را به نجاتي بدهند كه عيسي مسيح به ارمغان آورده است. در صورتي كه مايل باشيم مي‌توانيم به دلايلي خوب و مثبت روزة شخصي داشته باشيم، اما نبايد از ساير مسيحيان نيز بخواهيم كه همانند ما روزه بگيرند. ويژگي ملكوت خدا روزه و ماتم نيست، بلكه عدلت، سلامتي و خوشي در روح القدس (روميان 14:17ـ18). شراب تازة (محتويات) نجات به همراه تمامي بركات آن مي‌بايد در مشك تازة (پيكر، قالب) شكرگزاري، آزادي و خدمت خود جوش به جلال خدا، ريخته شود!

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثلهاي «داماد، جامة وصله‌دار و مشك شراب» را موعظه كنيـد، يـا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.

- اوقات خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از مزمور 141ـ 143ـ 145 و 146 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.

- به خاطر سپردن: عظمت خدا 4. خدا داناي مطلق است: عبرانيان 4:13ـ 5 آيه حفظي اخير را هر روز تكرار كنيد.

- آمادگي: مطالعة كتابمقدس از روميان 7:14-25 . از روش «پنج گام» استفاده كنيد.

- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببنيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).

- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.